



یادداشت

مجتبی گهستونی

روزنامه نگار و فعال میراث فرهنگی



اشکانیان اهواز چشم به راه باستان شناسان

بیش از هفت ماه از مشاهده محوطه باستانی نو یافته اهواز در مسیر یک پروژه شرکت نفت که به گواه باستان شناسان، اشکانی نامیده شده است، می‌گذرد. کشف این محوطه در ۱۴ تیرماه ۱۴۰۱ در محدوده ۲۰ متری یک چاه نفتی با دیرینگی بیش از ۸۰ سال صورت گرفته و این محوطه نیز در جاده سازی و خاکبرداری و... پیرامون این چاه‌های نفتی به دست آمده است. همچنین این محوطه به دلیل بخشی از فعالیت‌ها، دستخوش تغییر و دگرگونی‌های زیادی شده و بسیاری از بخش‌ها هموارسازی شده‌اند.

کشف این گورخمره‌های اشکانی در محوطه مورد نظر نقطه عطفی در تاریخ کهن اهواز تلقی می‌شود اما با وجود گذشت بیش از هفت ماه از مشاهده این محوطه، نیروهای یگان حفاظت جز در ماه نخست اصلاً در محوطه مستقر نشدن تا هرگونه دخل و تصرف احتمالی را بررسی کنند. در مشاهدات اولیه مشخص شد که در این گورستان سه تدفین به همراه گورخمره‌های سفالی و نخودی رنگ با اندود قیر وجود دارد که با آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی ابعاد دیگر این محوطه نمایان خواهد شد. لذا احتمال می‌رود که این سه تدفین گورخمره‌های گواه وجود یک محوطه گسترده تدفینی باشد.

نکته مهم اینکه از زمان مشاهده این محوطه در تیرماه تاکنون عملیات کاوش و نجات بخشی صورت نگرفته است؛ این در حالی است که بیش از ۴۰ روز پس از کشمکش‌های متعدد، مجوز کاوش این محوطه از سوی پژوهشگاه میراث فرهنگی اخذ شده اما وجود ناهماهنگی‌ها موجب تاخورد و نجات بخشی نشده است. محوطه‌های گورخمره‌های اشکانی در آن یافت شده است در هفت ماه گذشته دست برخی فعالیت‌ها دستخوش تغییراتی شده است. کام نخست برای این محوطه تاریخی باید نجات بخشی و تثبیت وضع موجود و کام بعدی کاوش گسترده در تمامی محوطه باشد.

از اداره کل میراث فرهنگی خوزستان انتظار می‌رود که به وظیفه کامل خود برای نجات بخشی و کاوش عمل کند. پیشنهاد دیگر این است که شرکت مناطق نفتخیز جنوب در راستای مسئولیت اجتماعی خویش به میراث فرهنگی برای نمایان شدن گوشه‌ای از تاریخ پنهان ایران و حفاظت از میراث فرهنگی کمک کند. تطلل‌های صورت گرفته در نتیجه عدم کاوش‌های باستان‌شناسی موجب شد که از زمان مشاهده این نویافته‌های اشکانی، بر اثروجود گرد و خاک و گرمای شدید هوا در ماه‌های گذشته و بارندگی‌های متعدد و برخی فعالیت‌های کارگاهی، بقایای به جای مانده از تدفین‌ها متلاشی و اکسیده شود. انتظار آن است که با این محوطه برخورد خوب و البته پیش‌تر آن جلوگیری به عمل آید.

بیش تحقیقی انجام شده و در آن اعلام شد که مقصد اول توره‌های کلاسیک به ایران، تخت جمشید است؛ نزدیکترین شهر به این محوطه تاریخی نیز شهر شیراز است. شهری زیبا با ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخی، فرهنگی و ادبی که شهرتی جهانی داشته و در میان گردشگران داخلی و خارجی ارزشی ویژه و منحصر به فرد دارد. اگر قرار باشد ۳ یا ۴ شهر ایران در سطح جهانی شناخته شده و تبدیل به یک برند شوند، حتماً شیراز یکی از آنهاست. این شهر به دلیل بافت شهری، ویژگی‌های مردم، وجود بازارهای قدیمی و جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی و... مورد توجه گردشگران ایرانی قرار دارد. گردشگران خارجی نیز در هنگام مواجهه با جاذبیت‌های ارزشمند آن، به شیراز علاقه‌مند شده و از مشاهده جاذبیت‌های تاریخی و فرهنگی آن لذت می‌برند. او می‌گوید: در سال‌های اخیر اقبال سفرهای داخلی به شهر شیراز زیادت‌ر شده و به همین دلیل باید تلاش‌ها بر نگهداری گردشگران و تشویق آنها به حضور در این شهر دیگر شهرهای کشور افزایش پیدا کند. متأسفانه یکی از مشکلات کنونی ما در حوزه گردشگری و جذب گردشگر، به حفاظت و نگهداری نابسامان از آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی بازمی‌گردد. موضوعی مهم که مغفول مانده و باید به آن توجهی ویژه کرد. برای جذب گردشگر به شیراز و دیگر شهرهای کشور ابتدا باید بدانیم که این موضوع تا چه حد با زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین ظرفیت‌های بالقوه در توسعه پایدار آن شهر همخوانی دارد. همه این موضوعات باید احصا شده و پس از خوانش، در اتاق فکر پردازش شده و تکمیل شود.

طبق گفته این راهنمای گردشگری، مشکل اینجاست خلایق چندانی برای به روز کردن صنعت گردشگری مناسب با نیاز توریست‌ها در این شهر و دیگر شهرهای کشور از سوی مسئولان محلی نمی‌شود. اگرچه در بخش خصوصی نیز با توجه به منافع و نیازها اقداماتی انجام شده است، اما اغلب آنها به صورت جزیره‌ای بوده و هنوز ساختار و طرحی جامع برای ساماندهی و وضعیت گردشگری در کشور تدوین نشده است.

در آن مشاهده نمی‌شود. از طرفی در گذشته کادر گردشگری در مراکز آموزشی برای جلب توریسم و جهانگرد آموزش دیده و سپس در این حرفه مشغول به کار می‌شدند اما حالا شاهدیم که جوانانی یا به میدان گذاشته‌اند که کمترین تبحر در صنعت گردشگری داشته و تنها با حضور در یک یا چند جلسه آموزشی، در حوزه گردشگری مشغول به کار شده‌اند.

۸۰۰۱ شغل برای رفاه گردشگر

این مدرس گردشگری می‌افزاید: واقعیت این است که یک گردشگر از زمانی که از مبدأ حرکت کرده و به مقصد می‌رسد، ۸۰۰۱ شغل برای رفاه او به جریان می‌افتد. از لحظه‌ای که این گردشگر ترفن را برداشته و پس از سؤال و جواب، بلیت را رزرو کرده و به مقصد می‌رسد. اما آیا ما از ظرفیت عظیم گردشگری در شهر شیراز و دیگر شهرهای کشور آگاه بوده و از آن به خوبی بهره‌برده‌ایم؟ آیا تاکنون بروشوری برای معرفی همه‌جانبه این شهر تهیه شده و در اختیار گردشگران قرار گرفته است؟ تمامی این کم‌کاری‌ها نشان می‌دهد که ما تا چه اندازه در امر معرفی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های ارزشمند به گردشگران ناتوان بوده و در معرفی غنای ارزشمند فرهنگی و تاریخی عقب هستیم.

به باور رئیس سابق انجمن راهنمایان جهانگردی در استان فارس، برای رفع این مشکل باید تبلیغات در حوزه گردشگری از دولت‌مدان و سازمان میراث فرهنگی آغاز شده و چرخه رونق و توسعه آن، توسط آژانس‌های مسافرتی و ادارات محلی به حرکت درآید. پیش‌تر گفته شده که می‌توان ۸۵ درصد درآمد ملی را از راه گردشگری بدست آورد؛ اما آیا بخش کوچکی از همین میزان در کشور ما تحقق پیدا کرده است؟ مشکل اینجاست که ما نمی‌دانیم که چگونه از سرمایه‌های ملی، تاریخی و فرهنگی کشورمان به درستی استفاده کنیم. شهر شیراز با داشتن موقعیت ارزشمند جهانی نه تنها نیاز به تبلیغات گسترده دارد بلکه باید بسترهای فرهنگی را نیز فراهم کرده و از دنیا برای بازدید از جای جای ایران بخصوص شهر شعر و ادب (شیراز) دعوت بعمل آوریم.

نگهداری نابسامان از آثار تاریخی

«پیش‌نویز آقابلی» کارشناس گردشگری نیز به «ایران» می‌گوید: چند سال



هتل‌های شیراز اغلب فرسوده هستند و تجهیزات و امکانات آن تعویض نمی‌شود



عکس: ایبستا

یک بار به شیراز سفر کرده و از اماکن ارزشمند آن بازدید کرده‌اند، نوشته‌ای را در وصف زیبایی‌های منحصر به فرد این شهر به یادگار گذاشته‌اند. او می‌گوید: بر این اساس شیراز، شهر بهارنارنج موقعیت گردشگری خاص و ارزشمندی را در دنیا داشته و مورد توجه بسیاری از گردشگران خارجی است. هر چند که طی سال‌های گذشته پای رکود صنعت گردشگری نیز به ایران باز شد و نه تنها به این صنعت در کشور بلکه به شیراز لطمه‌ای اساسی وارد کرد. این در حالی است که شیراز با توجه به موقعیت کنونی و ارزشمندش باید تشکیلاتی سازماندهی شده برای پذیرایی و ارائه خدمات به گردشگران داشته باشد؛ اما متأسفانه این اتفاق تاکنون رخ نداده است. هتل‌های این شهر اغلب فرسوده بوده و هیچ تعویض تجهیزات و امکاناتی

گردشگران قرار داده و تجربه‌ای ماندگار از درک فرهنگ غنی، طبیعت‌گردی و پیاده‌روی عصرانه در آب و هوایی دل‌انگیز را به آنها هدیه می‌دهد. امسال گردشگران زیادی از جای جای کشور عجله به خرج داده و پیش از آغاز بهار چمدان‌های خود را بسته و راهی شهر عشاق شدند. هنوز دو هفته به پایان اسفندماه مانده بود که خبر تکمیل ظرفیت هتل‌های شیراز رسانه‌ای شد. با آغاز فصل بهار، حضور گردشگران افزایش پیدا کرده و «حافظیه» با بازدید ۴۰۵ هزار و ۳۰۸ نفر، صدرنشین پربازدیدترین مکان تاریخی و فرهنگی در نوروز ۱۴۰۲ شد. همچنین مطابق آمار منتشرشده تا پایان تعطیلات نوروز ۲۹۲ هزار و ۹۷۱ نفر از تخت جمشید، ۲۵۵ هزار و ۲۳۳ نفر از سعدیه، ۱۶۲ هزار و ۷۳۱ نفر از ارگ کریمخان و ۱۶۰ هزار و ۹۹۱ نفر از پاسارگاد بازدید کردند.

فرسودگی هتل‌ها

«حسن کسرا» کارشناس گردشگری و رئیس سابق انجمن راهنمایان جهانگردی در استان فارس، با اشاره به پیوند هزارساله میان شهر شیراز و صنعت گردشگری به «ایران» می‌گوید: «شیراز، شهر شعر و ادب، یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور ایران محسوب می‌شود که به لحاظ باستان‌شناسی، ۳۳ درصد آثار تاریخی کشف شده در کشور را در خود جای داده است. گردشگران داخلی و خارجی، این شهر زیبا را به دلیل آب و هوای خوب، موقعیت و آثار باستانی تاریخی و ارزشمند معماری بی‌نظیر برجای مانده از دوران زنده، ساسانیان و... شناخته و علاقه‌ای خاص برای حضور و بازدید از اماکن فرهنگی و تاریخی آن دارند. بنابراین بی‌دلیل نیست که اغلب گردشگران و جهانگردانی که حتی

اغلب هتل‌های شیراز فرسوده هستند به بوی بهارنارنج



شهر

اگر قرار باشد ۴ یا ۳ شهر ایران در سطح جهانی شناخته شده و تبدیل به یک برند شوند، حتماً شیراز یکی از آنهاست



گزارش

بیبا میرعظیمی

خبرنگار

شیراز شهر بهارنارنج‌ها، قلبی به وسعت ایران داشته و نگین گردشگری ایران نامیده می‌شود. شهری چهار فصل با قدمتی چند هزارساله که به دلیل وجود جاذبه‌های طبیعی، تاریخی، مذهبی و فرهنگی اش، همه ساله گردشگران بی‌شماری را از سراسر ایران و جهان به آغوش می‌کشد. شیراز را شهر گل و بلبل و عشق و عرفان می‌نامند؛ شهری که تجربه دیدار از عظمت تمدن باستانی در تخت جمشید و پاسارگاد و لذت بردن از غزل‌های خواجوی شیرازی و شیخ اجل را پیش روی

سفر دنباله‌دار به میراث مشترک ایران بزرگ

خیلی دور خیلی نزدیک؛ ازبکستان



با دیاری ناآشنا روبه‌رو شده‌ای. بلکه با دیاری روبه‌رو می‌شوی که دارای مشترکات بسیار است و این‌رو غریبه نمی‌نماید. از سوی دیگر اگرچه به سرزمین میراث‌های مشترک با گذاشته‌ای و حتی در مقابل شهرهای تاریخی چون سمرقند و بخارا احساس تعلق پیدا می‌کنی، اما همین میراث‌های مشترک گاهی دارای شباهتی هستند که در پیوند با آنها احساسی از دوری ایجاد می‌کنند. این تمایز صرفاً در روایت و یا تجربه‌های گذشته و سبک زندگی نیست بلکه در زیست‌آموزی این میراث‌ها هم هست. میراث‌های فرهنگی امروزه به یک پدیده اجتماعی تبدیل شده‌اند از این‌رو در بافت اجتماعی هر دیار دارای نقش و زیست‌آموزی است که حاصل نظام اجتماعی پیرامونی یا مواجهه سیاست‌گذارانه بر آنهاست. از این‌رو متأثر از زیست و نظام پیرامونی میراث‌های فرهنگی می‌توان

گزارش

رزادبیری‌نژاد

موزه‌دار

سرزمینی چون ایران که از یک‌سو دارای سابقه بلندمدت تاریخی است و از سوی دیگر در چهارراه رفت‌وآمد فرهنگی و حوادث بسیار بوده، دارای تجربه‌ها و روزگاران مشترک با همسایگان یا حتی دورتر است. یعنی آنها که دیرزمانی در گستره‌ای مشترک می‌زیسته‌اند، اگرچه امروز مرزها سیب جدایی شده اما میراث‌های مشترک، عامل پیوندشان به ایران است. برای همین سفر به دیگر سو یعنی سفر به سرزمین‌های مشترک گذشته، نمی‌توان گفت با عبور از مرز جغرافیایی و سیاسی امروز، از مرز فرهنگی هم گذر شده است

و حتی مفاخر سرمایه‌گذاری کرده است. از این‌رو سفر به ازبکستان مشاهده این سیاست‌گذاری‌ها و رشد موزه‌ها و حتی نگاه به موزه اهمیت دارد که با خود تذکرانی به همراه دارد و در هر شهری می‌توان به روایت‌هایی دست یافت که هم از ساحت برنامه‌ریزی و هم از ساحت ایران‌شناسی قابل توجه است. اما منظور صرفاً توجه به شناخت ایران تاریخی نیست که البته آن هم بدون در نظر گرفتن سزمین‌هایی چون ازبکستان نیمه‌کاره و ناقص است. اما مهم‌تر از آن می‌تواند مبنایی برای شناخت ایران امروزی و بازتعریف فرهنگی ایران و حتی رویکردها در دیپلماسی فرهنگی یا برای مواجهه با میراث‌های مشترک باشد. آنجا که باید از هر دو سو یعنی از نگاه ایران و غیرایرانی به این میراث‌ها نگریست. سفر به ازبکستان می‌تواند مبنایی برای طرح این پرسش‌ها از منظر اهل میراث‌ها باشد.

تا شنید: شهری مدرن با نگاه به تاریخ گذشته

جمعه صبح با تنها پرواز ایرانی از تهران به تاشکند می‌رسیم. در نگاه اول تصورمان از فرودگاه تاشکند جایی شلوغ‌تر از آنی بود که می‌دیدیم که بعدها با دیدن ازدحام گردشگران در شهرهای دیگر این تصور تغییر کرد و شاید همین نشان می‌داد که این شهر مدرن ازبکستان مقصد پیوسته و اصلی مسافران نیست. در پرواز ایرانی هم، ما تنها گروه گردشگری بودیم. به تاشکندی می‌رسیم که در روایت‌های اساطیری سابقه استقلال بلندبالایی ندارد اما در همین مدت بطور جدی و فراگیر به سراغ میراث‌هایش رفته و بر گردشگری و موزه‌ها و بازسازی آثار



ازبکستان کشوری است که چندانی سابقه استقلال بلندبالایی ندارد اما در همین مدت بطور جدی و فراگیر به سراغ میراث‌هایش رفته و بر گردشگری و موزه‌ها و بازسازی آثار و حتی مفاخر سرمایه‌گذاری کرده است

مشهور بوده است اما از آن شهر کماندار تا تاشکند امروز فاصله است و هیچ نشانه‌ای از تاریخ اسطوره‌ای و باستانی آن دیده نمی‌شود. اگرچه در سال ۲۰۰۲ میلادی تاشکند ۲۲۰۰ سالگی خود را جشن می‌گیرد، اما آنچه در این شهر دیده می‌شود یک شهر مدرن امروزی است که طی دو قرن گذشته جایگزین سمرقند و بخارا شده و از اینکه یکی از خانات خوقند باشد به درآمده است و پس از یک زلزله ویرانگر خود را از نو ساخته تا پایتخت یک کشور جدید و بزرگترین شهر آسیانه میانه باشد. تاشکند امروز شهری با خیابان‌های پهن است که دو سوی آن را فضای سبز در بر گرفته است. معماری شهری آن هنوز رنگ و بوی دوره تعلق به شوروی را دارد، اما کم‌کم برج‌های بلند هم در آن پیدا می‌شوند. شهری که آرامش و قانون‌گرایی در آن به شکل برجسته‌ای به چشم می‌خورد و این را می‌توان در منظر شهری و یا رفتار مردم حتی در رانندگی مشاهده کرد. شهری که اگرچه نشانه‌های تاریخی خود را ندارد اما تلاش دارد آنها را در شهر مدرن امروزی متذکر شود. این گونه است که از نام میدان، نام ایستگاه‌های مترو و یا نمادسازی‌های شهری می‌توان حضور تاریخ را در شهر مشاهده کرد. این یادآوری



اهل این شهر را چای می‌خوانند و کمان‌های چای مشهور بوده است اما از آن شهر کماندار تا تاشکند امروز فاصله است و هیچ نشانه‌ای از تاریخ اسطوره‌ای و باستانی آن دیده نمی‌شود



بیرش